

فرانسه آنچه از فلسطین باقی مانده را به رسمیت خواهد شناخت

در سپتامبر ۲۰۲۵، رئیس‌جمهور امانوئل ماکرون در برابر مجمع عمومی سازمان ملل متحد خواهد ایستاد و دولت فلسطین را به رسمیت خواهد شناخت. این سخنرانی با دقت تنظیم شده، پر از فراخوان‌هایی برای صلح، کرامت و حقوق بین‌الملل خواهد بود. فلاش‌های دوربین‌ها روشن خواهند شد، دیپلمات‌ها کف خواهند زد و سرخط خبرها آن را “لحظه‌ای تاریخی” اعلام خواهند کرد. اما اشتباه نکنید: **فرانسه یک دولت را به رسمیت نمی‌شناسد - یک گورستان را به رسمیت می‌شناسد.**

تا زمانی که ماکرون این اعلامیه را صادر کند، غزه ممکن است چیزی جز زمین سوخته‌ای پر از استخوان‌های کسانی نباشد که جهان تصمیم گرفت نجاتشان ندهد. ژست فرانسه، هرچند نیت خیر داشته باشد، با دقت مرگباری شبیه به نامه تسلیتی می‌رسد که مدت‌ها پس از مراسم خاکسپاری ارسال شده است. به نام دیپلماسی، پاریس پرچمی را بر فراز خاکستر برافراشته خواهد کرد.

ژستی مملو از طنز

فرانسه ادعا می‌کند که به رسمیت شناختن آن به منظور احیای راه‌حل دو کشوری است، به عنوان بخشی از تلاش گسترده‌تر برای صلح. ماکرون پیش‌نیازهای معمول را مشخص کرده است: خلع سلاح حماس، آزادی گروگان‌ها، اصلاح تشکیلات خودگردان فلسطین. روی کاغذ، منطقی به نظر می‌رسد. در عمل، مانند طنز به نظر می‌رسد. غزه تحت محاصره کامل است. کرانه باختری در حال الحاق در زمان واقعی است. و فرانسه از فلسطینی‌ها - که بسیاری از آن‌ها گرسنه، آواره یا مرده‌اند - می‌خواهد که سیاست خود را مرتب کنند تا به عنوان یک ملت به رسمیت شناخته شوند.

اگر اینقدر خون‌آلود نبود، خنده‌دار می‌بود.

غزه: گرسنگی پشت سیم‌های خاردار

بیایید صریح باشیم: غزه یک زندان است و زندانیان آن از گرسنگی می‌میرند. از مارس ۲۰۲۵، اسرائیل محاصره‌ای کامل را اعمال کرده است - از طریق زمین، هوا و دریا. تمام گذرگاه‌های مرزی تحت کنترل اسرائیل هستند. هیچ روزنامه‌نگار خارجی اجازه ورود ندارد. هیچ کاروان کمک‌های بین‌المللی اجازه ورود ندارد. محاصره دریایی همچنان به طور کامل برقرار است. هیچ چیز وارد نمی‌شود. هیچ کس خارج نمی‌شود.

این یک بحران انسانی نیست. این یک قحطی ساخته‌شده توسط انسان است که با دقت بوروکراتیک طراحی شده است.

سازمان ملل متحد و کنفرانس صلح بین‌المللی هر دو تأیید کرده‌اند که غزه اکنون در **مرحله پنجم قحطی** قرار دارد - گرسنگی جمعی. بیش از ۷۰ درصد زمین‌های کشاورزی تخریب شده‌اند. تأسیسات تصفیه آب شیرین یا بمباران شده‌اند یا سوخت آن‌ها قطع شده است. اکثر مردم آب شور یا آلوده می‌نوشند، اگر اصلاً چیزی بنوشند.

باورنکردنی است که تعداد انگشت‌شماری از روزنامه‌نگاران محلی - که با رسانه‌های بین‌المللی مانند AFP و الجزیره قرارداد دارند - همچنان از محل گزارش می‌دهند. آن‌ها با پوشش فروپاشی جامعه خود درآمد ثابتی کسب می‌کنند. تصور کنید که برای نوشتن گزارش‌ها پول دریافت کنید در حالی که همسایگانتان علف می‌خورند و شهرتان به ویرانه تبدیل می‌شود. این روزنامه‌نگاری نیست؛ این شهادت بازماندگان است.

اسرائیل: نقض قانون بدون مجازات

اسرائیل، به عنوان قدرت اشغالگر، طبق کنوانسیون چهارم ژنو موظف است که به جمعیت غیرنظامی دسترسی به غذا، آب و مراقبت‌های پزشکی را تضمین کند. در عوض، هر سه را به طور عمدی محروم کرده است.

همچنین، اسرائیل دو حکم جداگانه از دیوان بین‌المللی دادگستری - در ژانویه و مارس ۲۰۲۴ - را که به آن دستور داده بود اجازه ورود کمک‌های بشردوستانه به غزه را بدهد و تمام اقدامات لازم برای جلوگیری از اعمال نسل‌کشی را انجام دهد، نادیده گرفته است. اسرائیل هر دو را نادیده گرفت.

بیا بید واضح باشیم: این فقط یک شکست اخلاقی نیست - این یک جنایت آشکار و مداوم است. گرسنگی به عنوان روش جنگ طبق حقوق بشردوستانه بین‌المللی ممنوع است. همچنین طبق اساسنامه رم یک جنایت جنگی است. با این حال، اسرائیل همچنان به تنگ‌تر کردن حلقه بدون عواقب معنادار ادامه می‌دهد.

کرنه باختری: الحاق از طریق محو

در حالی که غزه گرسنه است، کرنه باختری مانند یک لاشه تکه‌تکه می‌شود. رأی غیرالزام‌آور کنست اسرائیل برای الحاق این سرزمین - همراه با انفجار در ساخت شهرک‌ها و حملات نظامی - هرگونه ادعای وجود یک دولت فلسطینی قابل‌دوام را در هم شکسته است. فرانسه ممکن است در سپتامبر فلسطین را به رسمیت بشناسد، اما تا آن زمان، ممکن است دیگر فلسطینی برای به رسمیت شناختن باقی نمانده باشد - فقط تکه‌های پراکنده، محاصره‌شده و دفن‌شده.

جامعه بین‌المللی: مقصر به دلیل بی‌عملی

اعلام فرانسه حقیقت محکوم‌کننده‌تری را آشکار می‌کند: جامعه بین‌المللی شکست نمی‌خورد - همدست است. طبق کنوانسیون نسل‌کشی، دولت‌ها وظیفه دارند از نسل‌کشی جلوگیری کنند، نه اینکه فقط پس از وقوع آن را محکوم کنند. طبق دکترین مسئولیت حفاظت (R2P)، آن‌ها باید زمانی که جمعیتی با جرایم فجیع جمعی مواجه است، اقدام کنند.

با این حال، پاسخ جهانی ترکیبی از ناله و اقدامات نیمه‌کاره بوده است. محاصره کمک‌ها همچنان برقرار است. ارسال تسلیحات به اسرائیل ادامه دارد. احکام دیوان بین‌المللی دادگستری نادیده گرفته می‌شوند. هیچ تحریمی، هیچ محاصره‌ای، هیچ اقدام معناداری وجود ندارد.

بیا بید آن را زیبا نکنیم: با اجازه دادن به اسرائیل برای استفاده از گرسنگی به عنوان سلاح، جهان در نسل‌کشی مشارکت می‌کند.

نتیجه‌گیری: پرچمی برافراشته بر فراز قبرها

قول فرانسه برای به رسمیت شناختن فلسطین بی معنا نیست - اما به طرز وحشتناکی بدموقع است. به رسمیت شناختن، نجات نیست. گرسنگان را سیر نخواهد کرد یا به آوارگان پناه نخواهد داد. مردگان را باز نمی گرداند. بدون اقدام فوری برای شکستن محاصره، سرازیر کردن کمک ها به غزه و اجرای حقوق بین الملل، به رسمیت شناختن فرانسه به جای یک عمل عدالت، به یک خطابه عزا تبدیل می شود.

وقتی ماکرون در سپتامبر پرچم فلسطین را برافراشته می کند، جهان باید بپرسد: آیا او به یک ملت مستقل درود می فرستد - یا قربانیانی را که همه ما رها کردیم، گرامی می دارد؟

اگر پاسخ دومی باشد، این دیپلماسی نیست. این همدستی است.